



۲۰۱۹/۰۵/۱۸



پوهاند محمد بشیر دودیال

اگر اشرف غنی از ارگ بیرون شود او چه خواهد کرد؟



بعضاً آوازه های سرچوک مردم را خیلی به خود مصروف میسازد. یکی از جمله آوازه های سرچوک این بود که:



محمد بشیر دودیال

اشرف غنی اگر برود چه خواهد کرد؟

این آوازه ها وقتی ایجاد شد که چندی قبل جناب م. ی. ق. با تشکیل یک ائتلاف بصورت علنی گفتند که ح. ا. می تواند آقای غنی را از ارگ بیرون کند. همزمان با آن مذاکرات مخفی مبهم و اسرار آمیز امریکا و طلبای کرام در مورد سرنوشت افغان ها آغاز گردید، بعداً جناب محقق به صورت قطعی گفتند که غنی را از ارگ بیرون می کنیم. در مورد دوکتور اشرف غنی در روزهایی که کاندید ریاست جمهوری بود؛ نیز آوازه های سرچوک شنیده بودیم؛ مانند:

- غنی یک شخص مریض است که تکلیف معده اش اجازه نمیدهد اضافه تر از دو ساعت در یک روز کار کند و در عقب میز کارش بنشیند،
 - غنی با حضور جامعه جهانی و ناتو در افغانستان موافق نیست، از اینرو برنامه انتقال مسؤلیت های مستقلانه را آغاز نموده است و آن را در تمام ولایات عاجل تکمیل نمود،
 - غنی آنقدر بی حوصله است که در یک روز چندین تن را دشنام میدهد و لت و کوب می نماید؟!...
 - پای غنی معیوب بوده بدون عصاجوب حرکت کرده نمی تواند، چه رسد به سفرها به ولایات،
 - غنی میخواهد به خاطر آوردن صلح با طالبان برای آنها امتیاز بدهد و زندانیان شان را رها سازد،
 - غنی یک فاشیست و یک طالب نکتایی پوش است و غیره آواره ها
- ❖ اما دیده شد که او در یک شبانه روز ۱۸ ساعت کار کرد (بیشترین کار در مقایسه با سائر رؤسای جمهور در تاریخ کشور ما).
- ❖ این نیز مشاهده شد که دشمنی طالبان از همه بیشتر با غنی بود،
- ❖ در طول چهار سال و اندی که در رأس امور قرار دارد به کوچکترین و مهمترین قضایا عطف توجه کرد،

- ❖ برای ایجاد صلح زمینه اجماع ملی و بین المللی را آماده ساخت،
- ❖ دشمنان صلح، مداخله گران، مفسدین، کانون های فرعی قدرت، مافیا و چپاولگران دارایی های عامه را افشا نمود و صریحاً از آنها نام برد.
- ❖ او پاکستان را به انزوا کشانید، سؤال مناسبات طالب و پاکستان را مطرح ساخت.
- ❖ به ایران گفت که بعد از این آبهای ما رایگان نیست!
- ❖ به چین گفت که افغانستان بهترین شریک کوریدور های اقتصادی در منطقه است، ولی منفعت های ملی ما محفوظ اند،
- ❖ به امریکا گفت که فقط ثبات افغانستان متضمن امنیت جهانی و استحکام و قوام دیموکراسی واقعی است.
- ❖ به روسیه گفت که افغانستان کشور تاریخی است که در طول این مدت به هیچ همسایه زیان نرسانیده و با همه در مسالمت زندگی نموده و بعد از این نیز طرفدار زیست مسالمت آمیز است. افغانستان نقطه وصل است، نه فصل. آسیای جنوبی با آسیای مرکزی از طریق افغانستان پیوند یافته میتواند که این پیوند ضامن رشد منطقی می باشد.

اینها تیزسهای دوکتور اشرف غنی بود. او با جهانیان به عالیتترین زبان دیپلوماسی صحبت نمود.

راقم الحروف با ایشان تماس و شناخت دقیق ندارم و نه از اوصاف فردی شان زیاد میدانم، فقط همان قدری که بالعموم تمام مردم ما ایشان را از طریق مطبوعات و بیانات شان می شناسند، من هم به همان اندازه از ایشان اطلاع دارم، ولی باورمندم که (فارغ لیسۀ حبیبیه) است، بنا بر این من نیز به مثابه یکی از فارغان این مهد پُر افتخار خیلی دقیق ملتفت می باشم که مبادا به نام بزرگ حبیبیه لطمه وارد کند؟! خوشبختانه در جمله اکثریت مطلق فارغان حبیبیه، فردی را نمی شناسم که نام نیکو نداشته باشد (خصوصاً فارغان قبل از دهه شصت)، اکثریت مطلق فارغان آن افراد نیکنام و لایق بوده اند، همانطوری که حبیبیه به ما آموخته که باید صادق، لایق، وطندوست، خدمتگار ملت و پیشگام در خیررسانی باشیم، و هر فارغ حبیبیه این سفارش را دقیقاً در نظر گرفته و در نظر دارد، باید دوکتور اشرف غنی این امانت سترگ را حفظ کند. طی مدتی که ایشان مسؤول امور دولتی شده اند نکات ذیل توجه ام را نقادانه جلب نموده است:

- او پروژه های بزرگ اقتصادی را که در منشورش نیز طرح های آنرا ارائه نموده بود، در عرصه عمل پیاده نمود و یا هم عملاً برای پیاده کردن آن اقدام نمود (صرف نظر از اینکه مخالفین داخلی و خارجی او با تمام قوا و امکانات در تخریب و خنثی سازی اقدامات او با تمام نیرو عملاً و بصورت بالفعل کوشیدند)،
- او مانند پروفیسور نرکسی، رودان و بوچانان؛ میداند که بهتر است عوامل فقر و ناداری و راز ترقی و انکشاف را در عقب ماندگی نه، بلکه در ثروت های طبیعی کشور جستجو نماییم،
- او مانند (Cairn Cross) جداً معتقد است که غرض رشد اقتصادی نه تنها به عوامل و شرایط اقتصادی ضرورت است، بلکه به شرایط اجتماعی (غیر اقتصادی) و مدیریت فعال و مدبر و اداره سالم اشد ضرورت است،
- او مانند جوزف استیگلتیز (برنده جایزه نوبل سال ۲۰۰۱ معاصرترین و محبوب ترین اقتصاد دان برای خانواده بشریت، که حقایق عجیبی را جرأت مندانه و بیباکانه در مورد سیاست ها و مسایل اقتصادی بیان نموده است و از آن جمله در مورد آفت منابع طبیعی و عوامل عقب ماندگی، رول کنسرسیوم ها و گول های ثروت اندوز تحقیق نمود و همه را تشریح نموده، افشاگر سرمایداری چندین ملیتی)، میداند که در کشوری مانند افغانستان باید مسیر انکشاف را از کجا آغاز و به چه طریق و به کجا ببرد.
- او از تجربه موفق کوریای جنوبی تحت عنوان (New village Moment) آگاهی دارد و می خواهد به همین طریق دهات و روستاها را انکشاف دهد و از بهبود اوضاع اقتصادی روستا در حیات اقتصادی شهری نیز تحرک ایجاد گردد.

➤ اشرف غنی میدانند که سینگاپور شعار (Knowledge Economy) را عملی نمود و موفق نیز بود، او بهتر میدانند که بعد ازین آب یک تُحفه رایگان نبوده، بلکه یک ماده اقتصادی است که باید با منابع زیرزمینی (معادن) یکجا با درایت مدیریت گردد،

➤ او می خواهد افغانستان و منطقه را به چهار راه تمدن تبدیل نماید، او از صنعت چهارم و ظرفیت و پوتنسیل اقتصادی کشورش و از موقعیت فوق العاده حساس آن آگاهی دارد و می خواهد از بین چانس ها به نفع پیشرفت، صلح و ترقی استفاده نماید.

➤ داکتر محمد اشرف غنی مسیر ثبات اقتصادی را مانند استادان نامدار پوهنتون های نیویارک و هاروارد Michael P.Todaro و Stephen C. Smith می داند که راز پیشرفت اقتصادی امروزه در چه نهفته است.

➤ دوکتور محمد اشرف غنی از تیوری و مدل های اقتصاد منطقی و مدل سازان آن (Losch, Chirstaller, Weber, Hotelling, Barlewe, Plaunder,) بیشترین آگاهی را دارد او معتقد به اقتصاد رفاه و دولت رفاه است.

به این ترتیب نه تنها من، بلکه سائر فارغان لیسه عالی حبیبیه شاید و باید مواظب آن باشند که مبدا همصنفی و یا هر فردی که با او هم مکتبی بوده، دچار اشتباه و اغلاط بزرگ نگردد، از اینرو جداً در تشویش می باشیم.

او در دوران طلایی پوهنتون کابل عضویت کادر علمی پوهنخی اقتصاد را داشت. چندی قبل ادیتوریم پوهنخی اقتصاد بعد از ترمیم اساسی به نام (ادیتوریم دوکتور شهیدی) نامگذاری شد، درین جلسه حضور داشتم و با استادان پرافتخار و گرامی مانند جناب یادگاری صاحب، جويا صاحب، دوکتور ع. ق. عارف، دوکتور نورعباد و رئیس فعال و جوان جدید این پوهنخی و سائرین یادی از گذشته ها نمودیم و از استادان عزیز القدر و نخبگان کشور یاد کردیم، از چهره های نامدار مانند دوکتور سیدعبدالله کاظم، دوکتور نعیم اسد، پوهاند صاحب شرف، حیدر داور، دوکتور مرادعلی اصیل، پوهاند عبدالله حقایقی، داکتر سرابی، منگل، پوهاند غوثی، دوکتور انور دوست، ت. م. اکبر، عظیم شهباز، دوکتور شبان، دوکتور ذبیح الله التزام... خلاصه همه را یاد نمودیم و ارجگذاری کردیم (هیئات که آن قدح بشکت و آن ساقی نماند). دوکتور اشرف غنی نیز مدتی همکار علمی همان دوران بود.

اکنون که غنی برود چه خواهد کرد؟

اشرف غنی اگر ارگ را رها کند، حتماً مصروف تحقیق می گردد، او را بانک جهانی منحیث مشاور دعوت مینماید، او به کشورهایی که هنوز هم از ثبات کامل برخوردار نیستند؛ مشوره های علمی خواهد داد، او مانند اثر قبلی اش (Fixing Failed States) یک کتاب دیگر خواهد نوشت، بدون اینکه اندکترین اهانت به کشور سربلند خود نماید، در مورد تأثیرات تخلیوی جنگ ها خواهد نوشت. دوکتور محمد اشرف غنی منحیث یک مردم شناس (نژاد شناس) مسلکی در مورد اثرات بد اجتماعی جنگ ها و بیسوادی و عدم رشد شعور و آگاهی جمعی خواهد نوشت، این بار او فصل نهم کتابش (National Programs the challenge of implementation) را بیشتر مشرح تر خواهد ساخت، او در کتاب قبلی در قسمت سوم دولت سازی را در ۳۰ صفحه نوشته بود، اما این بار آن را در صد صفحه با تمام مشکلات دولت سازی که خود کاملاً طور عملی احساس کرده؛ دوباره نویسی خواهد کرد، کتاب جدید او را ممکن معتبرترین نهاد طبع، نشر و تحقیق جهانی (OXFORD University Press) و ۱۴ دارنده امتیاز دیگر آن در سراسر جهان طبع و نشر خواهد کرد.

او به نوشتن و تحقیق خواهد پرداخت. به خاطر حفظ ابروی هموطنانش بدون آنکه اشاره ای به مشکلاتش در افغانستان اشاره نماید این بار (War makers and State makers) را خواهد نوشت، او (intervention and nationalvalue) را تشریح خواهد کرد state formation ، legitimacy را نیز فراموش نمی نماید، زیرا عملاً مشاهده نمود.

او بیزاری خود را از تعصبات و کم دانشی مخفی نخواهد توانست، زیرا بیشترین انرژی و تلاش هایش را هدر داد، ولی عیارانه از اشتباهات مخالفینش چشمپوشی نموده، به آدرس معین اشاره نخواهد کرد. او سنگ اندازی ها و رقابت های منفی را شدیداً رد، ولی اختلاف سازنده را باعث اصلاح و تکامل معرفی خواهد کرد. او در عرصه مناسبات کشور ها، بالای روابط دولت با دولت تأکید خواهد کرد و در شرایط دشوار استثنایی روش بیوروکراتیک و مرکزیت را ترجیح خواهد داد، او نقش مطبوعات آزاد و جامعه مدنی را جداً سفارش خواهد کرد و از منافع سه طبقه (جوانان، زنان و اکثریت محروم) جداً دفاع خواهد کرد، برای کشورهای جدیداً از بند رسته در مود (Sovereignty Gap) خواهد گفت، او بعد از این حروف حلقی (ع، ح) را بهتر تلفظ خواهد کرد تا مورد تبصره ها قرار نگیرد، او استفاده از زبان اشاره و غیر شفاهی و حرکات را که عادت هر استاد است، کمتر خواهد ساخت. او جوانان را انگیزه خواهد داد و خواهد گفت:

له هیچ چانه داریم، هیچ زورور ته نه تسلیمیم، خوتاسو خوانانو ته تسلیمیم.
او زنان را قشر توانمند خواهد خواند و برای شان روحیه خواهد داد.

از محصولات داخلی در مقابل تولیدات مشابه خارجی قویاً حمایت خواهد کرد... اینک دگر چه خواهد گفت و چه خواهد نوشت نمی دانم، ولی در صورت رفتن از ارگ، وضعیت اش به مقایسه وضعیت فعلی اش در ارگ کابل، بهتر، آرامتر، آبرومندتر و مثمرتر خواهد بود. مثمر نه تنها برای افغانستان بلکه برای تمام مردم میلیونی مستضعف و کشورهای فقیر که بعد از دوره جنگ قرار دارند. او بیشتر از اکنون مورد احترام خواهد بود. بانک جهانی به تجربه و فهم او ارزش قابل است، آنها ارزش نیروی بشری و استعداد ها را میدانند، آنها میدانند که جذب مهارتها و استعداد ها امروز یک رقابت است، این بزرگترین مؤسسه مالی هنوز هم دوکتور محمد اشرف غنی را دعوت خواهد نمود تا با ایشان مسائل را تحلیل و گزارش های سازنده را تقدیم جهانیان و مؤسسات مالی و بانک های دنیا نماید...

از طرف دیگر آوازه های دیگری نیز وجود دارد که یکجمله تلاش می ورزند تا بخاطر حفظ دستاورد های ۱۸ ساله، حفظ قانون، حقوق زنان، صلح آبرومند، تطبیق پروژه های زیر بنایی و تحکیم ارزش های دیموکراتیک موجودیت غنی را برای افغانستان حیاتی و حتمی بدانند.

آنها میگویند او در مقابل تمام نابسامانی ها استوار خواهد ایستاد و بر آنها مسلط خواهد شد. او داعیه استحکام دولت را تحقق می بخشد.

هیچکس نمی داند که واقعیت چیست؟ تمام این آوازه ها به معما های پیچیده دوران مکتب ما می ماند و پرادوکس را به ذهن ما تداعی می نماید که ما را به مشکل ترین معادلات روبرو می ساخت. مضمون هندسه، صنف نهم! یاد استاد گرامی دگرمن پروانی بخیر که در مضمون هندسه قضیه، فرضیه، ترسیم، ثبوت ... گفته همه صنفی های ما را سال تمام مصروف نگه میداشت و در اخیر میگفت ازینکه فرض نموده بودیم که خط مستقیم AB موازی با مستقیم CD است، بناءً هر دو باهم مساوی نیز اند! و ما برای امتحان کانکور حفظ می کردیم که AB موازی و مساوی با CD است، باید از جمله چهار جواب همین یکی را درست بدانیم. این آواره ها هم چیزی را با چیزی قضیه، فرضیه، ترسیم و ثبوت ... معرفی می نمایند و بعد در اخیر می گویند پس AB با CD موازی است.

چنانچه در آغاز گفتیم آوازه های سرچوک ادامه دارد و مردم را بخود به نحوی عجیب مصروف می سازد، و از جمله مرا به افکار فوق الذکر مصروف ساخته بود، نمیدانم آوازه های بعدی و تصورات فردی و بعدی من و تصورات سائر هموطنان در باره آنها چه خواهد بود؟ آوازه های حکومت سرپرست هم وجود دارد، آوازه های خروج حتمی امریکا ولی باقی ماندن دفاتر و کارکنان استخبارتی ایشان نیز چیزی است که به نوشتن می ارزد، تلاش های (سیاسیون) که اصطلاح اخیر الذکر ورد زبان هر تلویزیون است نیز به نوشتن و آوازه سرچوک می ارزد، بد نیست که آنرا نیز گرمتر ساخته اذهان را با آنها مصروف سازیم، تمام این

آوازه ها نباید بلند رفتن نرخ ها را درین ایام مبارک رمضان زیر تأثیر آورده و ما را از تحفه های عیدی غافل بسازد، آوازه کنسرت خانم هنگامه نیز گرم است که گویا از کانادا به کابل می‌رود، ولی معلوم نیست که خود شان خبر دارند یا خیر، آیا واقعاً چنین تصمیمی خطرناک را اتخاذ نموده اند؟ آوازه سرچوک که به بیرون از فضا و اتموسفر زمین اشاره دارد؛ این است که این بار مشاهده آب در مریخ کاملاً یقینی است، آوازه دیگری وجود دارد که کمپنی یونیکال و برایداس که چند سال قبل به رقابت پرداخته بودند، اکنون باید یونیکال در بازی جدید منفعتش را بدست بیاورد! ممکن این کمپنی وسایل قبلی را دوباره گریسکاری و بکار بگمارد. باید بدان نیز بپردازیم. اخبار نه صبح این آوازه را گرمتر ساخته که تلویزیون (شام دل انگیز) برنامه انتخاب نطق شایسته سال را در نظر دارد و بعداً ... ای سر سودایی !!



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

